

غزل شماره ۱۹۲

سروچان من چرا میلِ چمن نمی‌کند؟
همدم گل نمی‌شود یادِ سمن نمی‌کند

دی‌کده‌ای ز طره‌اش کردم و از سرفوس
گفت که این سیاه‌کج، گوش به من نمی‌کند

تادل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

پیشِ کمانِ ابرویش لاله همی کنم ولی
کوش کشیده است از آن کوش به من نمی کند

با همه عطفِ دامت آیدم از صبا عجب
کز گذر تو خاک را مشکِ ختن نمی کند

چون ز نسیم می شود زلفِ بنفشه پریشان
وہ کہ دلم چه یاد از آن عهدِ شکن نمی کند

دل به امید روی او هدمِ جان نمی شود
جان به هوای کوی او خدمتِ تن نمی کند

ساقی سیم ساقِ من کر همه دُرد می دهد
کیست که تن چو جامِ می جمله دهن نمی کند؟

دستخوشِ جفاکُن آبِ رُخم که فیضِ ابر
بی مددِ سرشکِ من دُرِّ عدَن نمی کند

کُشته غمزه تو شد حافظِ ناشنیده پند
تیغِ سزاست هر که را درد سخن نمی کند

تفسیر فال

دست روی دست گذاشتن و منتظر ماندن برای اینکه بخت و اقبال به سراغ انسان بیاید، نه تنها عملی بیهوده است بلکه می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده‌ی عدم اراده و تلاش فرد باشد. در واقع، این انتظار منفعلانه نمی‌تواند شما را به اهدافتان برساند. بنابراین، لازم است که خودتان همت و تلاش کنید؛ در غیر این صورت، هر چیزی که ساخته‌اید ممکن است با عدم توجه و بی‌توجهی از بین برود و به آرزوهایتان نخواهید رسید. به جای ناامیدی، باید امیدوار باشید و از فکر کردن به بی‌وفایی زندگی پرهیز کنید. چون ابرهای رحمت و نعمت‌های الهی در مسیر شما قرار دارند و ممکن است به زودی بارش‌های مثبتی از آن‌ها نصیب شما شود. همچنین توصیه می‌شود که همواره به نصیحت بزرگان گوش دهید؛ زیرا تجربه‌های آن‌ها می‌تواند چراغ راه شما باشد و در مسیر رسیدن به موفقیت، از اشتباهات جبران‌ناپذیر جلوگیری کند. زندگی پر از چالش‌هاست اما اگر با عزم راسخ پیش بروید، حتماً خواهید توانست بر موانع فائق آیید و به خواسته‌های خود برسید.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)